



موضوع مشاوره در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است چنانچه پیغمبر اکرم اسلام - صلی الله علیه و آله - با قطع نظر از وحی آسمانی آنچنان فکر نیرومندی داشت که هیچگاه نیاز به مشاوره پیدا نمی‌کرد، ولی برای اینکه از يك سو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازد تا آن را جزء برنامه‌های اساسی زندگی خود قرار دهند و از سوی دیگر نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، در امور عمومی مسلمانان که جنبه‌ی اجرای قوانین الهی داشت (نه قانونگذاری) جلسه‌ی مشاوره تشکیل می‌داد و مخصوصاً برای رأی افراد صاحب نظر ارزش خاصی قائل بود تا آنجا که گاهی به احترام آنها از رأی خود صرف نظر می‌کرد، چنانکه نمونه‌ی آن در جنگ «احد» اتفاق افتاد و می‌توان گفت که یکی از عوامل موفقیت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در پیشبرد اهداف اسلامی همین بود.

در این بحث به پنج موضوع توجه فرمائید:

1- آیات و روایات پیرامون مشورت.

2- با چه اشخاصی می‌توان مشورت کرد؟

3- نتایج ثمر بخش مشورت.

4- وظیفه‌ی مشاور.

5- مذمت استبداد.

آیات:

- 1- «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ الْإِنْتِ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ[1]»: از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند، بنابراین آنها را عفو کن و برای آنها طلب آمرزش نما و در کارها با آنها مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.»
- 2- «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْزَجُوا شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ[2]»: و آنان که دستورات پروردگار را اجابت و اطاعت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را با مشورت یکدیگر انجام دادند و از آنچه روزی‌شان دادیم انفاق می‌کنند.»

روایات:

از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نقل شده که فرمود: «إِذَا كَانَ أَمْرَانِكُمْ خِيَارَكُمُ وَاعْتِيَانِكُمْ سُمَحَاتِكُمْ وَأَمْرُكُمْ شُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهُهُ الْأَرْضُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَ إِذَا كَانَ أَمْرَانِكُمْ شِرَارَكُمُ وَاعْتِيَانِكُمْ بَخْلَاتِكُمْ وَلَمْ يَكُنْ أَمْرُكُمْ شُورَى بَيْنَكُمْ قَبْطُنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا[3]»: هنگامی که زمامداران شما، نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان، و کارهای نیک با مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین، از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته‌ی حیات و زندگی هستید) ولی اگر زمامداران بدن و ثروتمندان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید در این صورت زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است.»

امیر المؤمنین - علیه السلام - در اثناء خطبه می‌فرماید: «وَلَا مَظَاهِرَةَ أَوْتَقَى مِنَ الْمَشَاوِرَةِ[4]»: هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست.»

از امام باقر - علیه السلام - نقل شده: در تورات چهار جمله آمده: «مَنْ لَا يَسْتَشِيرُ يَنْدِمُ وَالْقَفْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَ كَمَا تَدِينُ ثَدَانٌ وَ مَنْ مَلَكَ اسْتَأْذَنُ[5]»: کسی که مشورت نکند پشیمان می‌شود، فقر مرگ بزرگ است، هر چه کنی با تو همان خواهد شد و کسی که مالک شود استبداد می‌ورزد یعنی نوعاً اینها از تبعات این خصلت‌ها است.»

با چه اشخاصی باید مشورت کرد؟

مسلم است که هر کس نمی‌تواند طرف مشورت قرار گیرد، زیرا گاه بعضی از اشخاص نقاط ضعفی دارند که مشورت با آنها مایه‌ی بدبختی و عقب افتادگی است و از این جهت در روایات خاندان عصمت و طهارت صفاتی را برای مستشار ذکر نموده‌اند:

الف) از امام صادق - علیه السلام - نقل شده: مشورت تحقق نمی‌گیرد مگر با شرائطش و اگر کسی آن شرائط را نداند در مشورت ضرر می‌کند.

پس اولین آنها عبارت است از اینکه مستشار عاقل باشد و دومین شرط این است که آزاد مرد و متدین باشد و شرط سوم عبارت است از اینکه مستشار دوست حقیقی باشد و شرط چهارم عبارت است از اینکه بتوانی او را آگاه کنی از امور پنهانی خود و علم آن نسبت به موضوع مانند علم خودت باشد که به افراد دیگر نرسد.[6]

ب) از امام صادق - علیه السلام - نقل شده: «إِسْتَشِيرْ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ[7]»: مشورت کن در پیش آمدها (از) کسانی که می‌ترسند از پروردگارشان.»

ج) از امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل شده که فرمود: (با سه طایفه مشورت نکن) «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَغْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ بَعِيدًا الْقَفْرَ وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْحُجُورِ[8]»: با افراد بخیل مشورت نکن زیرا ترا از بخشش و کمک به دیگران باز می‌دارند و از فقر می‌ترسانند (و نیز) با افراد ترسو مشورت نکن زیرا آنها ترا از انجام کارهای مهم باز می‌دارند (و همچنین) با افراد حریص مشورت نکن که آنها برای جمع آوری ثروت و یا کسب مقام، ستمگری را در نظر تو جلوه‌گر می‌سازند.»

د) از امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل شده: «إِيَّاكَ وَ مَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مَنْ جَرَّبَتْ يَكْمَالِ عَقْلٍ...[9]»: خودداری کن از مشورت با زنان، مگر آنان که رشد عقلی و فکری‌شان به تجربه ثابت شده باشد.»

ه) از امام صادق - علیه السلام - نقل شده: «لَا تَشِيرْ عَلَى الْمُسْتَشِيرِ بِرَأْيِهِ[10]»: مشورت نکن با کسی که استبداد رأی دارد.»

نتایج مشورت:

اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند به عکس، افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند، هر چند از نظر فکری فوق‌العاده باشند، باز هم غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردآگین می‌شوند، از این گذشته استبداد رأی، شخصیت را در توده‌ی مردم می‌کشد و افکار را متوقف می‌سازد و استعدادهای آماده را نابود می‌کند و به این ترتیب بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسانی يك ملت از دست می‌رود.

به علاوه کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌گردد، زیرا دیگران، پیروزی وی را از آن خودشان می‌دانند و معمولاً انسان نسبت به کارهایی که خودش انجام داده، حسد نمی‌رزد و اگر احیاناً با شکست مواجه گردد، زبان اعتراض و ملامت و شماتت بر او بسته است، زیرا کسی به نتیجه‌ی کار خودش اعتراض نمی‌کند، و نه تنها اعتراض نخواهد کرد بلکه دلسوزی و غمخواری نیز می‌کند.

یکی دیگر از فوائد مشورت این است که انسان ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آنها را با خود درک خواهد کرد و این شناسایی راه را برای پیروزی او هموار می‌کند و شاید مشورت‌های پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - با آن قدرت فکری فوق‌العاده که در حضرتش وجود داشت به خاطر مجموع این جهات بوده است و در این روایات نیز به این مطلب اشاره شده است.

- 1- از امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل شده: «مَنْ لَمْ يَسْتَشِرْ يَنْدَمْ» [11]؛ کسی که مشورت نکند پشیمان می‌شود.»
  - 2- از امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل شده: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» [12]؛ کسی که مستبد به رأی خویش باشد هلاک می‌گردد و کسی که مشورت کند با افراد بزرگ، در عقل‌های آنها شریک شده است.»
  - 3- از امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل شده: «مَا غَطِبَ امْرَأَةً اسْتَشَارَ» [13]؛ سرزنش نمی‌شود کسی که مشورت کرده است.»
- وظیفه مشاور:

همان طوری که در اسلام، درباره‌ی مشورت کردن دستور مؤکد داده شده، به افرادی که مورد مشورت قرار می‌گیرند نیز تأکید شده که از هیچگونه خیرخواهی‌ای فروگذار نکنند و خیانت در مشورت یکی از گناهان بزرگ محسوب می‌شود، حتی این حکم درباره‌ی غیر مسلمانان نیز ثابت است، یعنی اگر انسان، پیشنهاد مشورت را از غیر مسلمانی بپذیرد، حق ندارد در مشورت نسبت به او خیانت کند و غیر از آنچه تشخیص می‌دهد به او اظهار نماید.

در «رساله‌ی حقوق» که از امام سجاد - علیه السلام - نقل شده چنین آمده: «وَحَقُّ الْمُسْتَشِيرِ إِنْ عَلِمْتَ لَهُ رَأْيًا أَشْرَبَ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ تَعْلَمْ أُشْدَّتْهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ وَ حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ عَلَيْهِ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ فِيمَا لَا يُؤَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ فَإِنْ وَاقَفَكَ حَمِدَتْهُ اللَّهُ» [14]؛ حق کسی که از تو طلب مشورت می‌کند این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر درباره‌ی آن کار چیزی نمی‌دانی او را به کسی راهنمایی کنی که می‌داند و اما حق کسی که مشاور تو است، این است که در آنچه که با تو موافق نیست، او را متهم نسازی پس اگر با تو موافق بود، شکر خدای گویی.»

و از امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل شده: «مَنْ عَشَّ الْمُسْلِمِينَ فِي مَشُورَةٍ فَقَدْ بَرَثَ مِثْلَهُ» [15]؛ کسی که در مشورت به مسلمانان خیانت کند پس به حقیقت من از او بیزارم.»

و نیز از امام صادق - علیه السلام - نقل شده: «مَنْ اسْتَشَارَ أَخَاهُ قَلَّمَ بِنُصْحَةِ مَخْضِ الرَّأْيِ سَلْبَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَأْيَهُ» [16]؛ کسی که مشورت کند با برادر خویش و او خیر و حقیقت را به او نگوید، خداوند رأی و درک او را می‌گیرد.

روایاتی پیرامون مذمت استبداد به رأی

الف) از امام صادق - علیه السلام - نقل شده: «الْمُسْتَبِدُّ بِرَأْيِهِ مَوْقُوفٌ عَلَى مَدَاحِضِ الزَّلَلِ» [17]؛ استبداد به رأی (انسان را) حبس می‌کند بر (مطالب) باطل و خطا.»

ب) و نیز فرمود: «لَا تَشِيرْ عَلَى الْمُسْتَبِدِّ بِرَأْيِهِ» [18]؛ با مستبد به رأی مشورت مکن.

ج) و باز فرمود: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» [19]؛ کسی که در رأی خویش استبداد داشته باشد، هلاک می‌گردد.

[1] . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 159.

[2] . سوره‌ی شوری، آیه‌ی 38.

[3] . تحت العقول، ص 26.

[4] . نهج البلاغه، کلمات قصار 113.

[5] . بحار، ج 75، ص 100.

[6] . وسائل، ج 8، ص 426.

[7] . وسائل، ج 8، ص 426.

[8] . نهج البلاغه، فرمان امام به مالک اشتر.

[9] . بحار، ج 103، ص 253.

[10] . بحار، ج 75، ص 105.

[11] . بحار، ج 75، ص 104 - 100.

[12] . وسائل، ج 8، ص 425.

[13] . بحار، ج 75، ص 104 - 100.

[14] . تفسیر نمونه، به نقل از تفسیر نور الثقلین، ج 1، ص 405.

[15] . بحار، ج 75، ص 99.

[16] . وسائل، ج 8، ص 427.

[17] . بحار، ج 75، ص 105.

[18] . بحار، ج 75، ص 105.

[19] . بحار، ج 75، ص 104.

